

دانشگاه یزد
دانشکده الهیات میبد
گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
فقه و حقوق خصوصی

بررسی تطبیقی قاعده تسبیب از دیدگاه امامیه و حنفیه

استاد راهنما: دکتر سید احمد میرخلیلی

استاد مشاور: دکتر علی محمد میرجلیلی

نگارش و پژوهش: داود رزم

اسفند ۱۳۹۰

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

تقدیر و تشکر

حقّ سائسک بالعلم فالتعظیم له^۱

حق استادت بزرگداشت اوست.

سپاس خداوندی را که انسان را پس از نادانی علم آموخت و پس از گمراهی هدایت کرد و پس از غفلت آگاه نمود.

نگارش و پدید آوردن این پایان نامه، حاصل زحمات و استفاده از تلاش‌ها و مساعی اساتید محترم دانشکده الهیات می‌باشد که در این میان بر خود لازم می‌دانم از تمامی آنان به ویژه استاد محترم راهنما حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید احمد میرخلیلی و استاد گرامی مشاور حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر علی محمد میرخلیلی که با راهنمایی‌ها، نقدها و پیشنهادات مفید و سازنده‌ی خود، در هر چه پربارتر نمودن این رساله یاری نمودند بدین وسیله تقدیر و سپاسگزاری نمایم.

همچنین وظیفه‌ی خود می‌دانم از ریاست محترم دانشکده جناب آقای دکتر عباس کلانتری و دیگر اساتید محترم و بزرگوایم آقایان دکتر محمدعلی اکبری، دکتر سید جعفر هاشمی باجگانی، و سرکار خانم دکتر نفیسه متولی زاده که هر یک فرصت استفاده از تجارب خویش را در اختیار بنده قرار داده و در تدوین این پایان نامه نگارنده را یاری نمودند، صمیمانه تشکر می‌نمایم. توفیق روز افزون همگان را از خداوند متعال خواستارم.

^۱ - مجلسی ، بحارالانوار، ج ۲، ص ۴۲.

تقدیم به

پدر و مادر بزرگوارم که لطف و زحمات بی‌دریغشان قابل جبران نیست؛ نعمت‌هایی که وجود با عطا وقتشان
پر تویی از مهر خداوند منان است. از خدای متعال برای ایشان سعادت و سلامتی را خواستارم.

چکیده

تسبیب عبارت است از اینکه شخص به طور مستقیم مباشر تلف مال نیست، بلکه مقدمات تلف را مهیا می‌نماید، یعنی کاری انجام می‌دهد که در نتیجه‌ی آن کار یا به علت دیگر تلف واقع می‌شود. تسبیب یکی از مهم‌ترین مسائل در حقوق اسلامی است و بدین دلیل به تحقیقات گسترده‌ای نیازمند است. در فقه امامیه تسبیب ذیل عنوان اتلاف آمده است. قاعده‌ی اتلاف در زمینه‌ی اتلاف مال الغیر و مسئولیت‌های آن صحبت می‌کند و مفاد قاعده این است که هر کس مال دیگری را بدون اجازه صاحب مال مورد بهره برداری قرار دهد، ضامن است.

در تحقیق حاضر به قاعده‌ی تسبیب که یکی از قواعد مهم فقه و حقوق است پرداخته‌ایم. در فصل نخست در بیان مفاهیم به این نتیجه رسیدیم که علی‌رغم قرار گرفتن تسبیب و مباشرت در کنار هم این دو اصطلاحی کاملاً متفاوت می‌باشند.

در فصل دوم به موجبات ضمان قهری پرداخته‌ایم که عبارت است از:

۱- غصب و آنچه که در حکم غصب است؛

۲- اتلاف؛

۳- تسبیب؛

۴- استیفاء.

در فصل سوم دلایل قاعده‌ی تسبیب از آیات، روایات، اجماع و دیگر مستندات برشمرده و به این نتیجه رسیدیم که هر کس باعث ورود ضرر به مال دیگری گردد ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد.

در فصل چهارم، ارکان قاعده‌ی تسبیب مطرح و توضیح داده شد. در برخی از فصول مذکور جهت بررسی موضوع در فقه حنفی مباحث تطبیقی نیز ارائه شده است.

واژگان کلیدی: قاعده، تسبیب، مباشرت، تقصیر، ضمان، امامیه، حنفیه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۳	طرح تحقیق.....
۴	۱- تعریف موضوع.....
۴	۲- سابقه‌ی تحقیق.....
۶	۳- ضرورت و اهداف تحقیق.....
۶	۴- روش تحقیق.....
۶	۵- سؤالات تحقیق.....
۷	۶- فرضیات تحقیق.....
۷	۷- کاربرد تحقیق.....
۹	فصل اول: تعاریف و کلیات.....
۱۱	۱-۱- مسئولیت مدنی.....
۱۱	۱-۱-۱. تعریف مسئولیت مدنی.....
۱۲	۱-۱-۲. سیر تحول مسئولیت مدنی.....
۱۲	۱-۱-۳. مسئولیت مدنی در قرآن.....
۱۴	۱-۱-۴. مسئولیت از دیدگاه فقها.....
۱۵	۱-۲-۱. قاعده.....
۱۵	۱-۲-۱. معنای لغوی قاعده.....
۱۵	۱-۲-۲. معنای اصطلاحی قاعده.....
۱۶	۱-۲-۳. اقسام قواعد فقهی.....
۱۶	۱-۳-۲-۱. تقسیم قواعد بر اساس منبع.....
۱۶	۲-۳-۲-۱. تقسیم قواعد بر اساس عناوین ابواب فقهی.....
۱۷	۳-۳-۲-۱. تقسیم قواعد بر اساس گستره‌ی اجرا.....
۱۷	۴-۳-۲-۱. تقسیم قواعد به اصلی و فرعی.....
۱۸	۳-۱. اتلاف.....
۱۹	۱-۳-۱. معنای لغوی اتلاف.....
۱۹	۲-۳-۱. معنای اصطلاحی اتلاف.....
۲۱	۳-۳-۱. اقسام اتلاف.....
۲۱	۱-۳-۳-۱. اتلاف حقیقی.....
۲۱	۲-۳-۳-۱. اتلاف حکمی.....
۲۲	۴-۱. تسبیب.....

۲۲۱-۴-۱. معنای لغوی تسبیب
۲۲۲-۴-۱. تسبیب در اصطلاح (حقوق)
۲۲۳-۴-۱. تسبیب در اصطلاح (فقه)
۲۵۴-۴-۱. فرق علت، سبب و شرط
۲۵۱-۴-۴-۱. علت
۲۵۲-۴-۴-۱. سبب
۲۵۱-۲-۴-۴-۱. اقسام سبب
۲۵۱-۱-۲-۴-۴-۱. سبب حسی
۲۶۲-۱-۲-۴-۴-۱. سبب شرعی
۲۶۳-۱-۲-۴-۴-۱. سبب عرفی
۲۶۳-۴-۴-۱. شرط
۲۶۵-۱. مباشرت
۲۷۱-۵-۱. معنای لغوی مباشرت
۲۷۲-۵-۱. مباشرت در اصطلاح (حقوق)
۲۷۶-۱. تعریف ضمان
۲۷۱-۶-۱. معنای لغوی ضمان
۲۸۲-۶-۱. ضمان در اصطلاح (فقه)
۲۹۳-۶-۱. ضمان در اصطلاح (حقوق)
۲۹۴-۶-۱. اقسام ضمان
۲۹۱-۴-۶-۱. ضمان عقدی
۳۰۲-۴-۶-۱. ضمان قهری
۳۰۳-۴-۶-۱. ضمان معاوضی
۳۱۷-۱. تقصیر
۳۱۱-۷-۱. معنای لغوی تقصیر
۳۱۲-۷-۱. تقصیر در اصطلاح فقه و حقوق
۳۲۸-۱. آشنایی با مکاتب فقهی امامیه و حنفیه
۳۲۱-۸-۱. مکتب فقهی امامیه
۳۲۲-۸-۱. مکتب فقهی حنفیه
۳۵ فصل دوم: موجبات ضمان
۳۷۱-۲. ضمان ید
۴۰۲-۲. غصب
۴۵۳-۲. اتلاف

۴۸ ۴-۲. تسبیب
۵۳ ۵-۲. استیفاء
۵۴ ۶-۲. مقایسه‌ی اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب
۵۴ ۶-۲. وجه اشتراک اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب
۵۵ ۲-۶-۲. وجه افتراق اتلاف مباشری و تسبیبی
۵۶ ۷-۲. تزاخم موجبات
۵۶ ۱-۷-۲. اجتماع سبب و مباشر
۵۹ ۱-۱-۷-۲. یکسان بودن سبب و مباشر
۶۰ ۲-۱-۷-۲. مباشر اقوی از سبب
۶۱ ۳-۱-۷-۲. سبب اقوی از مباشر
۶۳ ۸-۲. اجتماع اسباب
۶۳ ۱-۸-۲. مشکلات ناشی از اجتماع اسباب
۶۴ ۲-۸-۲. اجتماع عامل انسانی و عوامل طبیعی
۶۴ ۳-۸-۲. اجتماع اسباب متعدد در عرض یکدیگر
۶۵ ۴-۸-۲. اجتماع اسباب متعدد در طول یکدیگر
۶۵ ۱-۴-۸-۲. ضمان سبب مقدم در تأثیر
۶۶ ۲-۴-۸-۲. ضمان هر دو سبب
۶۶ ۳-۴-۸-۲. ضمان سبب اقوی در تلف
۶۷ ۴-۴-۸-۲. ضمان سبب مؤخر در وجود
۶۹ فصل سوم: مستندات قاعده
۷۱ ۱-۳. کتاب
۷۱ ۱-۱-۳. آیه‌ی اعتداء
۷۲ ۲-۱-۳. آیه‌ی معاقبه
۷۲ ۳-۱-۳. آیه‌ی جزای سیئه
۷۳ ۲-۳. سنت
۷۳ ۱-۲-۳. صحیح‌ه حلبی
۷۴ ۲-۲-۳. صحیح‌ه زراره
۷۴ ۳-۲-۳. صحیح‌ه ابی ولاد
۷۴ ۴-۲-۳. صحیح‌ه جمیل
۷۵ ۵-۲-۳. موثقه سماعه
۷۵ ۶-۲-۳. خبر سکونی (از امام صادق [ع])
۷۶ ۷-۲-۳. روایات باب اجیر

۷۷۳-۳. اجماع
۷۷۴-۳. بنای عقلا
۷۸۵-۳. دلیل عقلی
۷۸۶-۳. قاعده‌ی «لا ضرر و لا ضرار»
۸۱ فصل چهارم: ارکان قاعده
۸۳۱-۴. وجود ضرر
۸۳۱-۱-۴. مفهوم ضرر
۸۴۲-۱-۴. شرایط ضرر قابل مطالبه
۸۵۱-۲-۱-۴. مشروعیت مطالبه‌ی جبران ضرر
۸۵۲-۲-۱-۴. مسلم و قطعی بودن ضرر
۸۶۳-۲-۱-۴. قابلیت پیش بینی ضرر
۸۷۴-۲-۱-۴. مستقیم بودن ضرر
۸۸۵-۲-۱-۴. بلا واسطه بودن ضرر
۸۹۶-۲-۱-۴. عدم جبران ضرر در گذشته
۹۰۲-۴. فعل زیان بار
۹۰۱-۲-۴. شرایط معاف کننده
۹۰۱-۱-۲-۴. دفاع مشروع
۹۱۲-۱-۲-۴. حکم قانونی و دستور مقامات صالح
۹۲۳-۱-۲-۴. اجبار یا اکراه
۹۲۴-۱-۲-۴. اضطرار
۹۳۵-۱-۲-۴. اذن
۹۴۶-۱-۲-۴. احسان و نیکوکاری
۹۵۷-۱-۲-۴. غرور
۹۷۳-۴. رابطه‌ی سببیت
۹۸۱-۳-۴. مفهوم سببیت
۹۹۲-۳-۴. اثبات رابطه‌ی سببیت
۱۰۰۴-۴. مفهوم تقصیر
۱۰۰۱-۴-۴. مفهوم بسیط و مشترک تقصیر
۱۰۰۲-۴-۴. مفهوم تقصیر در مسئولیت قراردادی و قهری
۱۰۱۱-۲-۴-۴. مفهوم تقصیر در مسئولیت قهری
۱۰۱۲-۲-۴-۴. مفهوم تقصیر در مسئولیت قراردادی
۱۰۲۳-۴-۴. اثبات تقصیر

۱۰۴۴-۴-۴. ضابطه‌ی تشخیص تقصیر در فقه اسلامی
۱۰۵۳-۴-۴. ضابطه‌ی تشخیص تقصیر در فقه اسلامی
۱۰۶۵-۴-۴. تقصیر در قوانین موضوعه
۱۰۹نتیجه‌گیری
۱۱۳پیشنهادات
۱۱۴فهرست منابع

مقدمه

مسئولیت مدنی التزام شخص به جبران خسارت وارده به غیر است. جهت ایجاد این مسئولیت گاه نقض تعهدات قراردادی است و گاه تخطی از تکلیفی عرفی قانونی. بر همین مبنا مسئولیت مدنی به دو نوع، مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی (قهری) تقسیم می‌شود. در نوع اول صرف عدم انجام قرارداد دلیل بر مسئولیت فرد می‌باشد و از فرد خواننده دیگر دلیلی بر این که او نتوانسته است قرارداد را انجام دهد پذیرفته نیست مگر این که ثابت نماید، عدم انجام تعهد در نتیجه‌ی قوه‌ی قاهره بوده است، نوع دوم از مسئولیت که در حقوق به آن مسئولیت قهری یا الزام‌های خارج از قرارداد گفته می‌شود در چهارچوب موضوع تحقیق ما قرار می‌گیرد.

مسئله‌ی مهمی که در مسئولیت قراردادی مطرح می‌گردد صرف نقض تعهدات قراردادی از جانب متعهد و عدم انجام تعهد به عنوان تقصیر قلمداد می‌گردد و متعهد مکلف به جبران خسارت و زیان‌های ناشی از نقض تعهد می‌باشد مگر این که عامل بیرونی و غیرقابل پیش بینی سبب شود تا متعهد نتواند به تکلیف خود عمل نماید. در غیر این صورت (به استناد مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی) مبری از مسئولیت نمی‌باشد. بنابراین در تعهدات قراردادی زیان دیده (متعهد له) نیازی به اثبات تقصیر متعهد ندارد چرا که از نظر مقنن تقصیرش مفروض است ولی در ضمان قهری صرف ورود ضرر و برقراری رابطه‌ی سببیت بین ضرر و عامل زیان جهت جبران خسارت کافی نیست، بلکه عامل زیان نیز باید ثابت گردد و اثبات آن نیز بر عهده‌ی زیان دیده است.

لازم به ذکر است که شرط تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت قهری در حقوق ایران به صراحت در هیچ یک از مواد قانونی یا نظریات فقها ذکر نشده است، اما مقنن در پاره‌ای از موارد به تأسی از نظریات فقهی نقش تقصیر را به عنوان معیار تحمیل مسئولیت از طرف خواننده‌ی دعوی پذیرفته است.

همان گونه که گفتیم مسئولیت مدنی به دو نوع، قابل تقسیم است. بحث تسبیب از نوع مسئولیت غیر قراردادی می‌باشد (به استناد بند ۳ ماده‌ی ۳۰۷ قانون مدنی). تسبیب از جمله مباحثی است که در حوزه‌ی فقه و حقوق با پیچیدگی‌ها و ابهامات فراوانی روبه روست. آمیزش فرهنگ‌های مختلف گاه سبب می‌شود گاه مفهوم واحدی در دو فرهنگ متفاوت از معانی مختلفی برخوردار باشد. واژه‌ی تسبیب نیز به همین سرنوشت دچار شده است چرا که از یک طرف کلماتی چون سبب یا علت کلماتی بسیار دیرپا در فرهنگ بشری و دارای استعمال فراوان عرفی می‌باشند و از طرفی دیگر، عرف تعریف دقیق و جامعی از سبب یا علت ندارد و تعیین محدوده‌ی آن به ناچار با حقوق‌دانان است و از طرفی دیگر بحث جامع در مورد علت و معلول و انواع علل در فلسفه مطرح بوده و حقوق‌دانان و یا فقها به طور خودآگاه از تعاریف فلسفی سود جست‌ه‌اند که تفاوت این تعاریف نیز بنا بر مشرب‌های فلسفی امری محتمل است.

و سرانجام آمیزش فقه و حقوق در سال‌های اخیر مزید بر این ابهام می‌باشد چرا که بسیاری از اصطلاحات رایج در فرهنگ حقوقی ما از کشورهای غربی وام گرفته شده است در حالی که در همان موارد فقها اصطلاحات خاص خود را به کار برده‌اند.^۱

بدین جهت بحث از تسبیب نیازمند دقت و موشکافی بیشتری می‌باشد تا خلط اصطلاحات موجب اشتباه در حکم نشود.

داود رزم

اسفند ۱۳۹۰

^۱ - به عنوان مثال اگر کسی بر اثر تهدید دیگری مرتکب عملی شود، فقها از لفظ «اکراه» در مورد عمل یاد شده استفاده می‌کنند در حالی که حقوق دانان کیفری در مبحث علل موجهه ی جرم اصطلاح «اجباری معنوی» به کار می‌برند.

طرح تحقيق

۱- تعریف موضوع

قاعده‌ی تسبیب یکی از قواعد مشهور فقهی و حقوقی است که به لحاظ آثار فراوانش تحقیق پیرامون آن دارای ثمرات بسیار است و در مباحث مختلفی از فقه مانند کتاب غصب، قصاص و دیات (بحث موجبات ضمان) سخن از تسبیب مطرح شده است و در کتاب‌های حقوقی تحت عنوان «علیت» مورد بحث قرار گرفته است. فقها پس از بحث اتلاف، تسبیب را نیز، مطرح می‌کنند؛ چرا که اتلاف و تسبیب دارای مشترکات فراوانی هستند. بدین صورت که در اتلاف شخص به طور مستقیم باعث اتلاف مالی می‌گردد؛ ولی در تسبیب، عمل مسبب مستقیماً و بالمباشره باعث از بین رفتن مال دیگری نمی‌شود، بلکه مع الواسطه سبب می‌شود مال غیر از بین برود. اتلاف مانند این که شخصی مال منقول و یا غیر منقول دیگری را مباشرتاً بسوزاند. تسبیب مانند این که شخصی در مسیر عام چاهی حفر کند و دام دیگری در آن بیفتد و بمیرد.

۲- سابقه‌ی تحقیق

در روایات شیعه که منبع نخستین فتواست^۱ هیچ اشاره‌ای به اصطلاح مباشرت و تسبیب نشده است، در خود کتاب‌های فقهی شیعه نیز تا چند قرن نشانی از این اصطلاح نمی‌بینیم. هر چند که مصادیق تسبیب در کتب روایی ذکر شده است.

با مراجعه به قدیمی‌ترین کتب فقهی شیعه خواهیم دید همان مسائلی که بعدها تحت عنوان صور مختلف تسبیب در کتاب‌های فقهی مورد بحث قرار می‌گیرد، در کتب قدیمی بدون ذکر عنوان مباشرت یا تسبیب مطرح شده است. این کتب عبارتند از:

۱- فقه الرضا منسوب به امام رضا علیه‌السلام.

۲- «المقنع فی الفقه» از شیخ صدوق (م. ۳۸۱. ق).

۳- «المقنعه» از شیخ مفید (۳۳۶- ۴۶۰ ق).

۴- «النهایه» از شیخ طوسی (۳۸۵- ۴۶۰).

۵- «جواهر الفقه» از ابن برّاج (۴۰۰- ۴۸۱).

اصطلاح تسبیب از قرن پنجم هجری به بعد در کتب فقها مانند «مبسوط» شیخ طوسی و «سرائر» ابن ادریس به صورت اجمال مطرح شده است؛ ولی در کتب قرن هفتم با مسئله‌ی تسبیب و مباشرت به شکلی مفصل‌تر روبه‌رو می‌شویم. محقق حلّی صاحب کتاب معروف «شرایع الاسلام» از بزرگ‌ترین فقهای این عصر است که قتل عمد را به مباشرت و تسبیب تقسیم نموده و برای هر یک صوری را مطرح می‌کند. علامه حلّی نیز مسئله‌ی تسبیب را در کتب خود مطرح و تعریف نموده است.

^۱ - البته باید توجه داشت قرآن، منبع اصلی و ملاک صحت منابع دیگر است ولی اولویتی که ما بدان اشاره کردیم از لحاظ حجم فراوان روایات است که عملاً بیشتر مورد استناد فقها می‌باشد.

در کتاب فقهای اهل سنت نیز تا مدت‌ها نشانی از این اصطلاح نیست. ابن ادریس شافعی پیشوای شافعیه یا ابن حزم فقیه بزرگ طایفه‌ی ظاهریه در کتاب معروف خود «المحلی» مواردی مانند ریختن سم یا انداختن عقرب و مار که از مصادیق تسبیب می‌باشند نام برده و حکم آن‌ها را بیان می‌کنند در حالی که هیچ اشاره‌ای به این اصطلاح ندارند. ولی همانند شیعه از قرن پنجم به بعد شاهد ظهور این اصطلاح در کتب فقهای اهل تسنن همانند مبسوط از شمس‌الدین سرخسی (م ۴۹۰) و بدایع الصنایع از علاء‌الدین ابی بکر بن مسعود کاشانی (م ۵۷۸) نیز می‌باشیم.

چنان که می‌بینیم مصادیق تسبیب در کتب قدیمی فقه ذکر شده است پس در نتیجه این قاعده از سابقه‌ی نسبتاً طولانی برخوردار است؛ منتها تا به حال کسی به بررسی مباحث این قاعده به شکل مقایسه‌ی بین آراء امامیه و حنفی نپرداخته است، هیچ پایان‌نامه یا کتابی نیز در این مورد یافت نشد.

در حال حاضر پژوهش‌هایی به صورت مقاله در بحث تسبیب به چشم می‌خورد که در تمام این تلاش‌ها، هدف محققان عزیز تبیین ماهیت و بررسی این قاعده در فقه و حقوق امامیه (بدون تحقیق در حوزه‌ی قواعد فقه اهل سنت) بوده است برخی از پژوهش‌های صورت گرفته‌ی مرتبط با موضوع فوق به شرح ذیل می‌باشد.

مهدی رهبر- صالح سعادت، بررسی قاعده‌ی تسبیب با رویکردی بر آرای امام خمینی، متین، شماره‌ی ۴۵، زمستان ۱۳۸۸.

محمدکاظم بهرامی، قاعده‌ی تسبیب، ماهنامه‌ی دادرسی، شماره‌ی ۳۵، سال ششم، آذر و دی ۱۳۸۸. سید محمدحسن مرعشی شوشتری، قاعده‌ی تسبیب، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوقی، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۷۵.

قاعده‌ی تسبیب علی‌رغم کاربرد فراوانش در دعاوی حقوقی و کیفری، مورد مطالعه‌ی تطبیقی با دیگر مذاهب اسلامی قرار نگرفته است. همین تعداد پژوهش نیز بیشتر به تبیین قاعده و صور مختلف آن پرداخته است. با وجود کارهای صورت گرفته‌ی خلاً بررسی تطبیقی جامعی به زبان فارسی که حاوی ابعاد مختلفی نظیر وجوه اشتراک و افتراق قاعده‌ی مزبور بین مذاهب اسلامی باشد کاملاً محسوس است.

۳- ضرورت و اهداف تحقیق

بحث تسبیب و مسائل پیرامون آن نسبت به دیگر مسائل حقوقی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. از آن جا که پژوهشی به زبان فارسی تا به حال در قاعده تسبیب به صورت مستقل و بویژه تسبیب از نظر فقه اهل سنت صورت نگرفته است نگارنده را بر آن داشته تا در این زمینه قلم فرسایی کند. از طرف دیگر از آن جا که احناف اکثریت اهل تسنن را تشکیل می‌دهند و در زمینه‌ی این قاعده پیشینه‌ی گسترده‌تری نسبت به سایر مذاهب دارد ترجیح داده شد که تطبیق بین دو

مذهب شیعه و حنفیه انجام شود. یکی از اهداف فرعی تحقیق را می‌توان ایجاد اتحاد، هم بستگی و تقریب مذاهب اسلامی دانست.

ارزیابی و تطبیق قاعده‌ی تسبیب به عنوان یکی از قواعد مسلم بین مذاهب اسلامی، علاوه بر تبیین مفهوم «تسبیب»، ماهیت آن در فقه و حقوق اسلامی، موجب شناخت مبانی نظری مسئولیت مدنی که به عنوان یکی از مباحث حقوق مدنی مطرح است می‌شود؛ چرا که قاعده‌ی مزبور به عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی مورد توجه فقها و حقوق‌دانان بوده است. بررسی دلایل استنادی به این قاعده که در فصل سوم به آن پرداخته شده و بررسی نقاط اشتراک و افتراق دو مذهب، را می‌توان از دیگر اهداف این پایان نامه برشمرد.

۴- روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده و از آن جا که پژوهشی تطبیقی- تحلیلی است، در آن اطلاعات مورد نیاز از طریق مراجعه به منابع کتابخانه و استفاده از نرم افزارهای تخصصی فراهم شده است. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات به صورت فیش برداری از منابع بوده است. پس از اتمام فیش برداری، داده‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نتیجه‌ی کار، در قالب پایان نامه‌ی حاضر، تنظیم گردیده است.

۵- سؤالات تحقیق

سؤالاتی که ممکن است در موضوع بررسی قاعده‌ی تسبیب در فقه امامیه و مقایسه‌ی آن با فقه حنفی مطرح شود عبارتند از:

- ۱- رابطه‌ی بین قاعده‌ی تسبیب و احسان چیست؟
- ۲- وجوه اشتراک و افتراق مذهب امامیه و حنفی در استناد به این قاعده‌ی فقهی چیست؟
- ۳- آیا ضمان ناشی از تسبیب، منوط به تقصیر است؟

۶- فرضیات تحقیق

۱. بین دو قاعده‌ی تسبیب و احسان تعارض وجود دارد.
۲. هر چند کلیات این قاعده تا حدودی مورد اتفاق هر دو مذهب می‌باشد ولی تفاوت بین هر دو مذهب در استناد به این قاعده مربوط به ادله‌ی حجیت این قاعده می‌باشد.
۳. در تسبیبی که با قصد همراه باشد، خسارت جانی و مالی وارده، ضمان آور است؛ چه تعدی، تفریط و تقصیری در کار باشد یا نباشد؛ ولی اگر سبب، قصد ایجاد خسارت جانی و مالی را نداشته باشد، ضمان نفیاً و اثباتاً دایر مدار تقصیر است.

۷- کاربرد تحقیق

نقد و بررسی قاعده‌ی تسبیب بین دو مکتب فقهی امامیه و حنفیه علاوه بر شناساندن ادله‌ی استنادی، احکام و صور مختلف تسبیب و میزان کاربرد فقهی و حقوقی قاعده در محاکم اسلامی، می‌تواند پاسخی بر ابهامات موجود در این زمینه باشد. این موضوع میدان مناسبی برای شناخت قواعد فقهی اهل سنت (حنفیه) و جایگاه این قواعد در محاکم آن کشورهاست. بدیهی است که شناخت دقیق و علمی آن، تنها عامل رسیدن به حقیقت، به دور از هر گونه غرض ورزی در این زمینه می‌باشد.

انتظار می‌رود حاصل این تحقیق مورد استفاده و عنایت سازمان‌ها و نهادهای زیر قرار گیرد:

- ۱- قوه‌ی مقننه و نهادهای مرتبط با آن
- ۲- قوه‌ی قضائیه و وکلاء
- ۳- نهادهای علمی و آموزش عالی کشور
- ۴- کتابخانه‌های تخصصی و مراکز فرهنگی
- ۵- لازم به ذکر است این تحقیق برای کلیه‌ی کسانی که در حوزه‌ی قواعد فقهی گام بر می‌دارند، نیز کاربرد خواهد داشت تا با قاعده‌ی فقهی تسبیب و ابعاد مختلف آن بیشتر آشنا شوند.

فصل اول:

تعاریف و کلیات

قواعد فقهی فرمول‌های بسیار کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتری می‌شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرند.^۱ به عبارت دیگر قواعد فقه نهادها و بنیادهای کلی فقه هستند که با توجه به کلیت و شمول خود فقیه در موارد مختلف از آن‌ها استفاده می‌کند.

خاستگاه قواعد فقهی را باید قرآن، روایات و بنای عقلا دانست. از این رو در کتبی که به این موضوع اختصاص یافته بر این نکته تأکید می‌شود که قواعد فقهی، نه به معنی اختراع و وضع قواعدی از سوی فقها بلکه به معنی کشف و گردآوری آن‌ها از لابه لای متون دینی اعم از قرآن و احادیث معصومین (ع) در قالب کلی خود است. این قواعد کمک می‌کند تا زندگی در جامعه‌ی ایمانی، آسان‌تر و روابط اجتماعی سامان بهتری یابد و داوری نسبت به مسائل زندگی و انتخاب راه درست برای بیشتر مردم امکان پذیر شود.

دانستن این قواعد برای توده‌های مردم مسلمان این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوانند نسبت به حقوق و تکالیف خود آگاهی یافته و راهکارهای مناسبی را در هنگام بروز مشکلات ارائه دهند. به نظر می‌رسد، ابتکار تدوین قواعد فقهی با فقهای اهل سنت به خصوص فقهای حنفی است. قدیمی‌ترین متنی که در آن قواعد فقهی جمع آوری شده رساله‌ی ابوطاهر دباس (م. قرن ۴) است، که از فقهای حنفی قرن چهارم هجری بوده است.

بعد از حنفیه، علمای شافعی نیز در تدوین قواعد فقه بیشترین تلاش را نموده‌اند، چنان که مشهور است قاضی حسین یکی از فقهای شافعی همه‌ی فروع فقهی آن مذهب را در چهار قاعده خلاصه کرده است.^۲

در بین فقهای امامیه، شهید اول مؤلف کتاب «القواعد و الفوائد» اولین کسی است که به جمع آوری و تدوین قواعد فقه اقدام نموده است. این کتاب که در نوع خود نخستین کتاب در حوزه‌ی قواعد فقهی شیعی به شمار می‌رود، نوشتار مختصری در ضوابط کلی اصولی و فرعی است که احکام شرعی از آن‌ها استنباط می‌شود و علمای شیعی پیش از ایشان همانند آن را ارائه نکرده‌اند. در این فصل که با عنوان «کلیات و مفاهیم» نام گذاری شده است واژه‌ها، اصطلاحات کلیدی و مفاهیم مرتبط با تسبیب از لحاظ واژه شناختی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی التزام شخص به جبران خسارت وارده به غیر است. جهت ایجاد این مسئولیت گاه نقض تعهدات قراردادی است و گاه تخطی از تکلیفی عرفی قانونی. جهت بررسی دقیق دامنه شمول مسئولیت مدنی نیاز به تصور دقیق از مدلول این اصطلاح است.

^۱ - محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ هشتم، تابستان ۱۳۸۰ ش، ص ۲۱.
^۲ - تاجمیری، امیر تیمور، فرهنگ عبارات و اشارات حقوقی، مؤسسه ی فرهنگی انتشاراتی آفرینه، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷ ش، صص